

نظری به مقاله «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها» از دریچه نقد جامعه‌شناختی متن در مکتب انگلوامریکن

سیما داد

(دانشگاه واشنگتن سیاتل)

مقاله «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها» به قلم استاد محمدرضا شفیعی کدکنی که در شماره ۹-۱۰ (بهار - زمستان ۱۳۸۳) نامه بهارستان به چاپ رسید باید نقطه عطفی در رویکرد سنتی نسبت به متن‌شناسی و تصحیح انتقادی متون در زبان فارسی به شمار آورد. در این رویکرد، توجه از «مؤلف محوری» که همچنان یگانه تفکر حاکم بر پژوهش‌های متن‌شناسی در ایران می‌باشد به سمت افق‌های جدیدی گرایش دارد. در این گرایش تازه تاریخمندی متون از رهگذر پیگیری کیفیت و برخورد جامعه با آن‌ها، و انعکاس این شرایط بر تغییراتی که در متن مؤلف ایجاد می‌شود اهمیتی در حدکشف متن اصیل پیدا می‌کند. پاره‌ای از دستاوردهای این تغییر زاویه دید را می‌توان چنین برشمرد: نسخه بدل‌ها از موقعیت ثانوی به موقعیتی درجه اول ارتقا می‌یابند؛ پژوهشگر به جای یکسویه‌نگری به «اعتبار متن» - به لحاظ ارتباط آن با مؤلف - «تحولات متن» را در محیط اجتماعی سیاسی پیرامون آن بررسی می‌کند؛ از رهگذر تلفیق رشته‌های مختلف مثل تاریخ و علوم اجتماعی و ادبیات و جامعه‌شناسی و حتی فناوری اطلاعات موجب پویایی در پژوهش‌های متن‌شناسی می‌شود و پرسش‌های تازه‌ای را فرا روی پژوهشگران این رشته قرار می‌دهد؛ و بالاخره این رشته از پژوهش به جریان‌های معاصر در مکاتب اروپایی و امریکایی که امروزه راهی بس دراز پیش‌تر از ما قرار دارند اتصال می‌یابد که خود موجب ورود ادبیات ملی ما به گفتمان «ویرایش انتقادی» امروز دنیا خواهد بود. در اثبات این نکات نگارنده نخست بی‌آنکه ادعا کند نویسنده دانشمند مقاله بر اثر آشنایی و تعامل با رویکردهای ۱۰-۱۵ ساله اخیر مکتب انگلوامریکن به این نگرش رسیده است بطور خلاصه ابتدا این رویکرد را که در امریکا به عنوان نقد جامعه‌شناسانه متن شناخته شده و سپس به بررسی اجمالی امهات مقاله دکتر شفیعی کدکنی از این دیدگاه می‌پردازد.

امروزه یکی از نگرش‌های مطرح در حوزه متن‌شناسی مکتب انگلوامریکن نقد جامعه‌شناسانه متن می‌باشد که توسط جروم مک‌گان (Jerome J. Mc Gann) (متن پژوه و ادیب امریکایی در دانشگاه ویرجینیا) و تحت تأثیر اندیشه‌های پسامدرن و تفکرات مارکسیستی قرار دارد. از دهه ۹۰م اندیشه پویائی متن تحت تأثیر برخورد جامعه و خواننده با آن، بی‌ثباتی معنی، و تأثیر شرایط تولید در دگرگونی‌های معنایی در متن مبانی این رویکرد را می‌سازند. مهمترین ویژگی این رویکرد توجه به عوامل بیرونی متن است یعنی به جای آنکه دغدغه اصلی آن جستجو برای یافتن اصیل‌ترین و معتبرترین نسخه به مؤلف یا به نیت غایی مؤلف باشد ضمن احترام به چنین رویکردی محور اصلی جستجو را بر نتیجه‌گیری‌های جامعه‌شناسانه از خلال تحولات متن طی فرایند حیات خود قرار می‌دهد. به سخن بهتر به جای ارزشیابی میزان اعتبار متن به لحاظ نزدیکی اش با صدای مؤلف و کم اعتبار شمردن نسخه بدل‌هایی که فاقد چنین قرابتی می‌باشند تحولات نسخه بدل‌ها را در تبیین شرایط تاریخی اجتماعی که بسترساز چنین تحولاتی بوده است مورد توجه قرار می‌دهد. در این باره نقل قولی از دی. سی. گریثام (D. C. Greetham)، یکی دیگر از صاحب‌نظران امریکایی در ضمن معرفی نقد جامعه‌شناسیک متن بهتر می‌تواند حق مطلب را ادا کند:

به هر حال تحت شرایط نقد جامعه‌شناسیک متن، این تعریف محدود از اعتبار کفایت نمی‌کند زیرا اعتبار دیگر تنها در گرو [صدای] مؤلف نمی‌باشد بلکه به جای آن از انباشت تاریخ اجتماعی [در پیرامون] اثر در وضعیت‌های مختلف‌اش در منظر عموم نشأت می‌گیرد. این بدان معنی است که یک نسخه اقتباس شده و متأخرتر [از اثر] نیز چنانچه بتوان نشان داد که از حضور و نفوذ اجتماعی و تاریخی برخوردار است در تبیین تاریخ دریافت





[برخورد مخاطبان] متن اولویت و اهمیت می‌یابد.^۱

آنچه که جروم مک‌گان و پیروان او را به این جانب سوق داد نوعی تشنت آرا در بین نظریه‌پردازان امریکایی حوزه نقد و ویرایش انتقادی متون در نیمه دوم قرن بیستم بود که همگی البته ناظر بر نگرش مؤلف محور بوده است. جروم مک‌گان با تغییر زاویه دید و انتقال آن از متن به فضای پیرامون متن در حقیقت زمینه‌ساز پاسخی است به بی‌اعتبار شمردن نسخه بدل‌ها. در رویکردهای پیشین. در نگاه مؤلف محور، دگرگونی‌های ضبط شده در نسخه بدل‌ها، موارد غیراصیل و ناخالص هستند که باید در صافی داورهای مصحح منتقد قرار بگیرد و به‌عنوان ناسره حذف شود. اما مک‌گان با نشان دادن تحولات نسخه‌شناسی و کتابشناسی که در چاپ‌های مختلف آثار لرد بایرن (Lord Byron) و بعضی دیگر از شعرای رمانتیک روی می‌دهد و با بحثی انتقادی از نظریه‌های مطرح در زمینه تصحیح انتقادی متون در نهایت این رویکرد را به زیر سؤال می‌برد و اعلام می‌کند که: منتقد متن باید به [فضای] بین و پشت سرچنین مسایلی [فسادهای] داخل شده در متن اصیل [وارد شود تا فضایی را که چنین مسایلی به ایجاد آنها کمک کرده‌اند تبیین نماید].^۲

غایت این تغییر زاویه دید، تحول شگرفی است که امروزه همزمان با عصر فناوری کامپیوتر و اینترنت در زمینه پژوهش‌های متن‌شناسی در غرب رخ نموده است. اما جدای از دستاورد مذکور چنین رویکردی موجب شده است که متن‌شناسی از محبوس شدن در حوزه تخصصی مطالعات ادبی به درآید و پا به دیگر عرصه‌های علوم انسانی بویژه تاریخ علوم اجتماعی، فناوری اطلاعات، و جامعه‌شناسی و حتی کتابداری بنهد و در نهایت منجر به رشته‌ای چندبُعدی و تطبیقی بشود.

همسویی دیدگاه عرضه شده در مقاله استاد شفیع با این رویکرد از عنوان مقاله و مقدمه آن بخوبی پیداست: از رهگذر این گونه «متن» ها و سنجیدن نسخه بدل‌های گوناگون آنها، امروز، می‌توان به مسایلی در اعماق جامعه و تاریخ دست یافت و یکی از نهانگاه‌های حقایق تاریخی همین تحولات ایدئولوژیک نسخه بدل‌هاست. یا بهتر است بگوییم: نسخه بدل‌ها میدان درگیری و ستیز ایدئولوژی‌هاست.^۳

محور بحث مقاله مزبور پاسخگویی به یک پرسش اساسی در مورد چرایی تفاوت ضبط و ثبت القاب و نام‌ها به ویژه در نسخه بدل‌های متأخر (حدوداً قرن دهم به بعد) در چند متن کلاسیک عرفانی یعنی دیوان اشعار احمد جام‌زنده بیل (۴۴۰-۵۳۶)، مناجات‌نامه‌خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱)، و کلیات عطار (قرن ششم و هفتم) منطق‌الطیر عطار، حدیقه سنایی، صفوة الصغای ابن بزاز اردبیلی، و در مقامات برخی شیوخ صوفیه از جمله در النور سهلگی می‌باشد:

مسأله تغییر نام افراد، یا افزودن و کاستن بر وجوه شخصیت ایشان از آشکارترین و چشم‌گیرترین گونه‌های این نوع مطالعات تاریخی و سیاسی است اما این گونه تبدیلات تاریخی محصور در این مسأله نیست: بسیاری از واژه‌ها که بار ایدئولوژیک داشته‌اند، و با تغییرات جامعه در آنها تغییرات حاصل شده است هم می‌توانند مصادیق این گونه حذف و تعویض‌ها به‌شمار آیند.^۴

در این تحلیل نویسنده اشاره‌وار توجه خواننده را معطوف به آن می‌کند که تغییر نام بزرگانی از سایر فرق مذهبی در نسخه بدل‌هایی که از متون پیروان این مذاهب گرفته شده به نام‌های ساده یا حتی به عبارت «یکی از بزرگان» یا افزودن‌ها و کاستن‌های عبارات یا ابیاتی که در منقبت هر یک از خلفای راشدین در نسخه بدل‌های کلیات عطار و منطق‌الطیر رخ داده است به دلیل چرخش‌های ایدئولوژیک در دوره‌های مختلف بوده است. نکته مهم در این جمله

^۱ Jerome J. Mc Gann. *A Critique of Modern Textual Criticism*. The University Press of Virginia. 1983. pp. viv-xix "Forward" p. xviii

^۲ Ibid, p. 122.

^۳ نامه بهارستان، س ۵، ش ۱-۲ (بهار - زمستان ۱۳۸۳)، دفتر ۹-۱۰: ۱۰۶، ستون اول.

^۴ همان، ص ۹۵، ستون ۲.



آنست که شرایط متفاوت اجتماعی تاریخی در هر سرزمینی محور پرسشی را که منتقد به متن یا نسخه بدل می‌برد تغییر می‌دهد. اینکه دکتر شفیعی در این متون انگشت بر ذکر القاب و عناوین بزرگانِ فرق مختلف یا خلفای راشدین می‌نهد به دلیل نقشی است که سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های دینی در نحوه نقل و حفظ میراث عرفا و فقها و تحت حکومت‌های منبعث از مذهب در ایران ایفا کرده است، اما این امر همانطور که ایشان نیز به درستی اشاره می‌کنند تنها شاخه قابل بررسی در عرصه نقد متنی و متن‌شناسی نمی‌باشد. طبیعت متن، زمان تألیف، فاصله آن تا زمان ما، شرایط سیاسی اجتماعی و حتی جغرافیایی که پیرامون تحولات متون جریان داشته‌اند و جنبه‌های بی‌شمار دیگر هر یک می‌تواند محور پرسشی اساسی درباره چرایی تفاوت نسخه بدل‌های یک متن واقع شود.

بنابراین تحلیل، علی‌رغم تفکر غالب که نسخه بدل‌ها بویژه آنهایی که از قرن نهم به بعد پدید آمده‌اند ارزش پژوهشی ندارند این نسخه‌ها به منابعی برای مطالعه شرایط اجتماعی حاکم بر آن عصر تبدیل می‌شوند. دکتر شفیعی از مطالعه عناوین و القاب در نسخه بدل‌های متون مختلف نتیجه می‌گیرد که «نسخه بدل‌ها میدان درگیری و ستیز ایدئولوژی هاست» (ص ۱۰۶، ستون ۱) و از روی تغییرات صفاتی چون «شیعی» و «سنی» یا «علیه‌السلام» به «رضی‌الله» یا نحوه انتساب سیادت به شیخ صفی‌الدین سر سلسله صفویه و تفاوت‌هایی از این قبیل را دستمایه دو نتیجه‌گیری در حوزه جامعه‌شناسی دین و متن‌شناسی قرار می‌دهد: اول آنکه:

جامعه ایرانی تمایلات شیعی خود را به تدریج آشکار کرده است و غلبه hegemony تشیع در عصر صفوی از مقوله جهش و موتاسیون... نبوده است بلکه در کمون ذات جامعه ایرانی این فکر در حال رشد بوده است و با گذشت زمان، به تدریج خود را آشکار می‌کرده است. مثل سبز شدن برگ‌های درختان «در روزهای آخر اسفند». ۵

و دیگر آنکه:

عامل از میان رفتن نسخه‌های کهن بسیاری از متون دینی و مذهبی، همیشه حوادث طبیعی از قبیل سیل و آتش‌سوزی و... نبوده است بلکه متولیان تحولات ایدئولوژیک جامعه آن نسخه‌های کهن را، عالماً و عامداً از بین برده‌اند تا هیچ‌کس در اصالت تحولات ایدئولوژیک مذهب تردید نکند. ۶

این‌گونه نتیجه‌گیری هاست که پژوهش متن‌شناسانه را از دایره مطالعات ادبی به حیطه‌های دیگری چون جامعه‌شناسی دین و تاریخ اجتماعی تسری می‌دهد و در واقع بسته به پیشینه ذهنی و تجربیات فردی هر محقق قرائت متفاوتی از مشاهدات عینی همان متون می‌توان بدست آورد. این امکانی که فراروی محقق برای طرح گمانه‌هایی کاملاً فردی و برخاسته از تجربیات اندیشگی و شخصی پژوهشگر گشوده می‌شود موجب پویایی در دامنه مباحث پیرامون متن می‌گردد و خود جلوه‌ای از نگرش متن‌پژوهی جامعه‌شناسانه است. با باز شدن پای دیدگاه‌های خواننده است که دیگر متن‌شناسی در محدوده مطالعات ادبی باقی نمی‌ماند و همانطور که دکتر شفیعی هم اشاره می‌کند «جای آن هست که چندین رساله دکتری در حوزه تاریخ و تاریخ اجتماعی و حتی رشته ادبیات فارسی نوشته شود و هر یک از این شاهکارهای مورد توجه مردم به گونه ویژه تحولاتش بررسی شود...»^۷ و نیز از اینجاست که زمینه‌های مطالعات بین‌رشته‌ای در محیط‌های دانشگاهی ایران فراهم خواهد آمد.

دستاورد دیگر رویکرد جامعه‌شناسانه به متن، ایجاد زمینه تعامل میان مباحث متن‌شناسی در ایران و جریان‌های حاکم بر این حوزه در مغرب زمین است. این تعامل، متون فارسی را در محک آزمایش نظریه‌های تازه قرار می‌دهد و موجب می‌گردد که قابلیت‌های پنهان میراث مکتوب فارسی در مواجهه

۶ همان، ص ۱۰۷، ستون ۲.

۵ همان، ص ۱۰۶، ستون ۱.

۷ همان، ص ۹۵، ستون ۱.

با نظریه‌های ادبی و متن‌شناسی معاصر شکوفا شود که این امر در نهایت به انگیزش دیدگاه‌های نوین حتی در عرصه ادبیات تطبیقی می‌انجامد. ناگفته پیداست که سرآغازی این چنین نمی‌تواند در حجم یک مقاله گنجانیده شود اما این مقاله را می‌توان تلنگری بجا به امکانات بالقوه نسخه بدل‌ها تلقی کرد که با معرفی دیدگاه‌های نو بنیاد تازه‌ای در مناسبات متن‌شناسیک می‌نهد و زمینه‌ساز پرسش‌های متفاوتی در این حوزه می‌شود. در کنار این دستاوردهای پژوهشی، نقد جامعه‌شناسانه متن دارای تأثیرات اجتماعی نیز می‌باشد زیرا سبب می‌شود تا حوزه متن‌شناسی از محبوس بودن در فضای مونولوژیک مؤلف محور وارد عرصه دموکراتیکی بشود که در آن بتوان علاوه بر صدای مؤلف که در یک سوی طیف مناسبات متن قرار دارد صدای دریافت‌کنندگان و مخاطبان متن نیز در سوی دیگر این طیف شنید. این تحول با توجه به نسخه بدل‌ها به ویژه نسخه بدل‌هایی که در آنها شبهه پاتولوژیک بیشتری وجود دارد در حقیقت به معنی آنست که به جای نگاه یکسویه به متن آن را از سوی دیگر نیز مطمح نظر قرار داد که البته این سوی دیگر خود گستره مفتوح و نامحدودی را پیش روی محقق می‌گشاید.

همانطور که دکتر شفیع‌ی هم در مقاله خود اشاره می‌کند در سنت متن‌شناسی و نقد متون فارسی: عادت برین بوده است که در تصحیح انتقادی متن‌ها، ما همواره به چند نسخه کهن و نزدیک به عصر مؤلف بسنده می‌کنیم و به نسخه‌های متأخر کمتر توجه می‌شود. حق نیز همین است که برای تصحیح انتقادی متن، و یافتن اصل گفتار مؤلف راهی جز این وجود ندارد اما این نکته را نیز نباید از یاد برد که نسخه‌های متأخر و کتابت شده در قلمروهای جغرافیایی متفاوت، همان گونه که می‌تواند تحولات فیلولوژیک متن را نشان دهد، آینه‌ای برای تغییرات سیاسی و ایدئولوژیک جامعه نیز می‌تواند به شمار آید.^۷

اشاره به «قلمروهای جغرافیایی متفاوت» بخوبی ناظر بر لحاظ کردن بازتاب اثر در ذهن و حافظه مردم و رفتار آنها با متونی است که دریافت می‌کنند. بر این اساس برخلاف سنت رایج که خوانندگان و دریافت‌کنندگان متون در محاق فراموشی قرار دارند، در نگاه جدید آگاهی نسبت به حضور دریافت‌کنندگان متون و توجه به دیدگاه‌ها و عکس‌العمل‌های آنها که از خلال تحولات نسخه بدل‌ها قابل بررسی است و کاملاً مورد قبول و پذیرش منتقدان قرار می‌گیرد. نتیجه چنین توجهی در واقع به حساب آوردن قضاوت مردم و روی آوردن به تفکر دموکراتیک در حوزه تحقیقات متن‌شناسی می‌باشد. از این رهگذر در واقع سنت تک‌صدایی و مونولوژیک در نقد مؤلف محور جای خود را به سنت چند صدایی یا دیالوژیک می‌دهد که این مهمترین دستاورد تغییر نگرش در حوزه متن‌شناسی می‌باشد.

در خاتمه یادآوری می‌کنم همین که نویسنده دانشمند بدون ادعای آشنایی با جریان نقد جامعه‌شناسیک متون در غرب به طرح چنین دیدگاهی در حوزه زبان و ادبیات فارسی پرداخته‌اند گویای حقیقتی انکارناپذیر است: نیاز به دموکراتیزه شدن نیازی برخاسته از مقتضیات زمانه‌ای است که در آن مصرف‌کنندگان و مخاطبان هر نوع نظامی خواه سیاسی باشد خواه اجتماعی، اقتصادی، یا فرهنگی مهمترین عامل در کنترل مناسبات میان عنصر یا فکر عرضه شده و گستره نامحدود مخاطبان می‌باشد. از این حیث مقاله «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها» طلیعه مبارکی است در توجه به چگونگی رفتار انبوه بی‌چهره مخاطبان با متون؛ مخاطبانی که نظراتشان طی قرون متمادی یا فاقد ارزش تلقی شده یا نادیده انگاشته شده است، در متن پژوهی زبان فارسی، و سرآغازی است بر آنچه که تا این اواخر پاتولوژی یا «آسیب‌شناسی متن» تلقی می‌شده اما امروزه به قول جروم مک‌گان از مقوله جنبه‌های جامعه‌شناسیک متن محسوب می‌شود.

^۷ همان، ص ۹۶، ستون ۲.